

This is a Persian translation of  
The Prince  
by Niccolò Machiavelli  
Translated by David Held  
The Folio Press, London, 1960

نیکولو ماکیاویلی

---

# شہریار

---

ترجمہ

داریوش آشوری



۵۷	...
۶۷	...
۸۸	...
۹۶	...
۱۰۱	...
۱۰۲	...
۱۱۱	...
۱۲۴	...
۱۲۶	...
۱۲۸	...
۱۳۴	...
۱۳۸	...
۱۴۴	...
۱۴۷	...
۱۵۰	...

### فهرست

۷	دیباجه‌ی مترجم (ویراستِ یکم)
۱۱	دیباجه‌ی ویراستِ دوّم
۱۲	دیباجه‌ی ویراستِ سوّم
۱۳	پیش‌گفتار درباره‌ی مفهوم «ویرتو» و ترجمه‌ی آن به فارسی
۱۸	مفهوم «هنر» در ترجمه‌ی این متن
۲۴	درباره‌ی زبان‌نگاره‌ی این ترجمه
۲۷	ماکیاولی: زندگی و روزگار-اش
۴۰	جایگاهِ ماکیاولی در اندیشه‌ی سیاسی

### شهریار

۵۳	از نیکولو ماکیاولی به عالی‌جناب لورنتسو مدیچی
۵۵	فصل یکم: شهریارِها بر چندگونه‌اند و شیوه‌های فراچنگ آوردن‌شان
۵۷	فصل دوم: درباره‌ی شهریارِهای ارت‌بُرده
۵۹	فصل سوم: درباره‌ی شهریارِهای پیوندی
	فصل چهارم: چرا در پادشاهی داریوش، که به دستِ اسکندر افتاد، پس از مرگِ اسکندر مردم بر جانشینانِ وی نشوریدند
۷۱	

۷۵	فصل پنجم: در باب شیوهی حکومت بر آن شهرها یا شهریارها که پیش از آن با قانون خود می زیسته اند
۷۹	فصل ششم: در باب آن شهریارها که به نیرو و هنر خود گیرند
۸۵	فصل هفتم: در باب شهریارهای نو بنیاد که به بازو و بخت دیگران گیرند
۹۵	فصل هشتم: در باب آنان که با تبهکاری به شهریار می رسند
۱۰۱	فصل نهم: در باب شهریار می مردمی
۱۰۷	فصل دهم: در باب ارزیابی قدرت شهریارها
۱۱۱	فصل یازدهم: در باب شهریار می دینداران
۱۱۵	فصل دوازدهم: در باب گونه های سپاه و سپاهیان مُزدور
۱۲۳	فصل سیزدهم: در باب سپاهیان کُمکی، آمیخته، و بومی
۱۲۹	فصل چهاردهم: شهریار و لشکرآرایی
	فصل پانزدهم: در باب آنچه مایه ی ستایش و نکوهش بهر مردمان است
۱۳۳	به ویژه شهریاران
۱۳۷	فصل شانزدهم: در باب بخشندگی و تنگ چشمی
	فصل هفدهم: در باب سنگدلی و نرمدلی و این که مهرانگیزی بهتر یا
۱۴۱	ترس انگیزی
۱۴۷	فصل هجدهم: در باب شیوهی درست پیمانی شهریاران
۱۵۱	فصل نوزدهم: در باب پرهیز از خوار و نفرت انگیز شدن
	فصل بیستم: در باب سودمندی یا زیانمندی دژها و دیگر چاره اندیشی ها
۱۶۵	که شهریاران کنند
۱۷۱	فصل بیست و یکم: شهریار را چه باید کرد تا نام بُردار شود
۱۷۷	فصل بیست و دوم: در باب ریزان و ویژهی شهریار
۱۷۹	فصل بیست و سوم: چه گونه از چاپلوسان می باید پرهیخت
۱۸۳	فصل بیست و چهار: چرا شهریاران ایتالیا کشورهاشان را از کف داده اند
	فصل بیست و پنجم: در کارهای بشری بخت تا کجا دست اندر کار است و
۱۸۷	چه گونه با آن می توان ستیزید
۱۹۳	فصل بیست و ششم: فراخوانشی به رهانیدن ایتالیا از چنگال بربران
۱۹۹	فهرست نامها

دییاجه ی مترجم

(ویراست یکم)

کتاب شهریار در اصل به زبان ایتالیایی نوشته شده و گذشته از اهمیت آن در عالم اندیشه ی سیاسی، از نظر نثرنویسی نیز از آثار برجسته ی ادبیات ایتالیایی ست. ترجمه ی کتاب از زبان اصلی برای این مترجم ممکن نبود، زیرا به آن زبان آشنایی ندارد. این ترجمه ی فارسی بر اساس سه ترجمه ی انگلیسی انجام پذیرفته است.

*The Prince* Tr. by George Bull, Penguin Books, 1975.

*The Prince and The Discourses*, Tr. by Luigi Rici, Modern Library. College Edition, 1950.

*The Prince*, Tr. by W. K. Marriott, Everyman's Library, 1971.

در مورد نامهای خاص تاریخی و جغرافیایی، مترجم برای پرهیز از آشفتگی، به پیروی از روش *دایرةالمعارف فارسی* (غلامحسین مصاحب)، جز در مواردی که نامها شکل شناخته شده ای در زبان فارسی دارند، کوشیده است آنها را بنا بر واگفت (تلفظ) شان در زبان اصلی (یونانی، لاتینی، ایتالیایی، فرانسه) بیاورد. برای

این کار، البته، مراجعه به منابع گوناگون (به ویژه دایرةالمعارف فارسی) و نیز مشورت با آشنایان به زبان های دیگر، به ویژه ایتالیایی، لازم بود. در این زمینه از آقایان فیروز فولادی و شمس الدین ادیب سلطانی سپاسگزارم که راهنمایی های خود را از من دریغ نداشتند.

بنابراین، کوشش مترجم در این جهت بوده است که به ویژه نام های ایتالیایی، که در این متن فراوان است، به واگفت زبان اصلی نوشته شوند. از آن جا که در زبان ایتالیایی واژه ها و نام های تشدیددار فراوان است، برای وانوشت دقیق تر، این گونه نام ها را با تکرار حرف تشدیددار آورده ام. برای مثال: فرارا (Ferrara)، و تتوری (Vettori). برخی نام های ایتالیایی از راه زبان فرانسه به فارسی راه یافته و آشنای اند. در چند مورد، از جمله، نام شهر فلورانس را، که اصل ایتالیایی آن فیرنتسه (Firenze) است، به همان شکلی آشنا آورده ام. امّا در جاهای دیگر از روش کُلی خود، یعنی وانوشت بر اساس واگفت به زبان اصلی، پیروی کرده ام. چنان که، نام ماکیاولی به صورت فرانسوی آن، یعنی ماکیاول، در فارسی بسیار به کار رفته است یا چزاره بورجا از راه زبان فرانسه به صورت سزار بورژیا درآمده است، ولی من در این موارد واگفت زبان اصلی را آورده ام. امّا در مورد نام یولیوس قيصر (که اصل لاتینی آن یولیوس کایسار است و در فارسی جدید، از راه ترجمه از فرانسه، ژول سزار نیز شناخته می شود) صورت قدیمی فارسی آن را آورده ام، یعنی یولیوس قيصر.

و نیز، برای آسانی کار خوانندگان شرح کوتاهی درباره نام های خاص تاریخی و جغرافیایی، به ترتیب الفبایی، در پایان کتاب افزوده ام

و برخی از اشاره های تاریخی یا اصطلاحی متن را در پانویس شرح کرده ام. تمامی پانویس ها در این ترجمه از مترجم فارسی است.

داریوش آشوری

تهران، آبان ۱۳۶۵

1. The Prince, A Ruling Manual, translated and edited by Mark Musa, St. Martin's Press, New York, 1964.  
The Prince, translated by George Bull, Penguin Books, (1971).  
2. Der Prinz, Übersetzt von Friedrich von Oppen, Frankfurt, Insel Verlag, Frankfurt am Main, 1990.